



دعا



زهرا سزیدان

- بین مریم جان، خدا همه‌ی موجودات
روی زمین را آفریده است. پس بهتر از
هرکسی می‌داند چه چیزی برای ما خوب
و چه چیزی بد است. اگر دعای ما برایمان
خوب باشد، خدا حتماً پاداش می‌دهد.
- اگر برایمان خوب نبود چی؟
- به جایش ثواب آن را به مان می‌دهد.
- ثواب چیست؟

مثل جایزه است. مثلاً وقتی توی خانه
به مامانت کمک می‌کنی، مامانت کلی
خوش حال می‌شود و تشویقت می‌کند.

هر سال یک هفته قبل از اینکه عید بشود،
مامان هر روز به خانه‌ی مادر بزرگ
می‌رود تا در خانه‌ی تکانی کمک کند. مریم
هم همیشه با او به خانه‌ی خانم جان
می‌رود چون او را خیلی دوست دارد.

خانم جان نماز می‌خواند. مریم سراسر
مدّت داشت به خانم جان نگاه می‌کرد.
چروک‌های روی پیشانی و گونه‌ی خانم جان
چهره‌اش را مهربان‌تر کرده بود.

سلام آخر نماز را که داد، دست‌هایش را بالا
آورد و زیر لب چیزهایی گفت.

- خانم جان، چرا همیشه بعد نماز
دست‌هایتان را بالا می‌آورید؟

- دعا می‌کنم مریم جان.

- می‌شود دعا کنید من همیشه در
امتحان‌هایم ۲۰ بگیرم؟

- بله، دعا می‌کنم اما من هم به دعا تو
محتاجم.

- «محتاجم» یعنی چه؟

- یعنی تو هم برای من دعا کن. آخر دعای تو
زودتر برآورده می‌شود.

- برای چی؟

- چون هر چه سنّ آدم کمتر باشد،
گناه‌هایش کمتر است. هر چه هم گناه‌های
آدم کمتر باشد، دلش پاک‌تر است. خدا هم
دعای آدم‌هایی را که دلشان پاک است زودتر
برآورده می‌کند.

- یعنی وقتی من دعا می‌کنم، خدا صدایم
را می‌شنود؟

- معلوم است عزیزم! خدا صدای همه‌ی
آدم‌ها و حیوانات و هر چه آفریده است
می‌شنود حتی اگر توی دلشان دعا کنند.

- الان من هر دعایی کنم برآورده می‌شود؟

